مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و دوم، شمارهٔ پیاپی ۸٤/۱،
بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص۲۰۹-۱۸۵

تأملی در «تکرار جرم» در فقه امامیه و حقوق ایران*

میرزا محمد واعظی
کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی
دکتر سیدمحمدتقی قبولی‌درافشان
استاد یار دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد
Email: ghabooli@ ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

علل تشدید مجازات در نظام کیفری اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام شده سبب رعایت اصول انسانی و اسلامی، مثل اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازات می‌شود و این امر سلامت روانی جامعه را بیشتر تامین می‌کند.

یکی از علل عام تشدید مجازات «تکرار جرم» می‌باشد که به نوبهٔ خود تاثیر بسزایی در تأمین اهداف مجازات می‌گذارد و شخص بزه‌کار را از انجام مجدد جرم باز می‌دارد.

در این بحث تعیین شرایط لازم برای تحقق «تکرار جرم» و حدود تشدید در آن اهمیت مسأله را دو چندان می‌نماید؛ زیرا در صورت اشتباه، اگر میزان مجازات بزه‌کار کمتر یا بیشتر از میزان جرم او باشد، اصل عدالت کیفری زیر سؤال می‌رود و تشخیص دقیق این موضوع نیاز به تحقیقی صحیح دارد.

کلیدواژه‌ها: جهات عام، تشدید مجازات، تکرار جرم، جرم سابق، جرم لاحق.

---

* . تاریخ وصول:۱۳۸٦/۱۱/۲۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۸/۰۸/۲۳.

طرح مسأله

یکی از اصولی که در قوانین جزایی از جایگاه والایی برخوردار است، «اصل عدالت کیفری» است که احکام بسیاری از آن استخراج می شود و اصول و قواعد جزایی بیشماری با این اصل در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارد .

تشدید مجازات بجا ، یکی از مصادیق اجرای « اصل عدالت کیفری » است ؛ زیرا متناسب بودن مجازاتها با شخصیت مجرم و تعیین دقیق عوامل تشدید مجازات در عادلانه تر کردن نظام کیفری کمک شایانی می‌کند و این مهم با نگاه به مصادیق جهات تشدید مجازات و مبانی آن در حقوق و تطبیق آن مصادیق و مبانی با فقه اهل بیت(ع) محقق می شود .

«تکرار جرم» نیز از جهات عمومی تشدید مجازات است که نیاز است، مصادیق و مبانی حقوقی آن در تطبیق با فقه امامیه مورد واکاوی قرار گیرد تا اصولی مثل «اصل عدالت کیفری» و «قانونی بودن جرم و جنایت» و «تناسب بین جرم و مجازات» در رابطه با جرم با دقت و حدّت بیشتری اعمال گردد و در نهایت سلامت روانی جامعه بیشتر تامین شود .

سؤالاتی که مطرح است این است که آیا تعریفی صحیح و دقیق از تکرار جرم «در فقه امامیه» به عنوان مبانی حقوق ما ارائه شده است ؟ آیا در قرآن آیاتی وجود دارد که بر تشدید مجازات در صورت تکرار جرم استشهاد شود ؟ آیا انواع «تکرار جرم» در حقوق، مبانی شرعی دارد ؟ آیا شرایطی برای تحقق تکرار جرم در فقه امامیه مطرح شده است ؟ آیا مبانی حقوق ما در « تکرار جرم » با مبانی شرعی کاملا سازگاری دارد؟ حدود تشدید « تکرار جرم » به چه میزان است ؟

در این نوشتار کوشش می شود این پدیده حقوقی از جوانب گوناگون در فقه امامیه مورد کند و کاو قرار گیرد .

تعریف تشدید مجازات

در توضیح معنای «تشدید» در منابع لغت شناسی فارسی ،«استوار کردن »، «گران نمودن »، « خلاف تخفیف»، « سختی نهادن بر کسی »، «سختی نمودن »، «بر کسی سختی کردن »، « تنگ گرفتن بر کسی »و نیز « علامتی همچون سرسین برای تکرار حرف »را ذکر کرده اند(دهخدا ،۵۹۰۸/٤).

در ذیل « مجازات »نیز آورده اند که به معنای « پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی » ، « سزا » ، « کیفر »، « پادافراه » « مشقتی که مجرم می کند » به کار رفته است (همان،۱۷۹۰۵/۱۲).

« تشدید مجازات » از منظر حقوق این است که گاهی اوقات شرایط و اوضاع و احوال به دلایلی به گونه ای است که اقتضا می کند در مجازات افراد خاطی با شدت بیشتری برخورد کرد؛ یعنی عوامل مختلف در ارتکاب جرم پدیدار می شود که ناخودآگاه قانونگذار عادل را ، به عکس العمل شدیدتری وا می دارد(صانعی/۷۹۰).

از« تشدید مجازات » در فقه گاه به « تغلیظ العقوبه » تعبیر شده که در کتب فقهی از آن تعریفی ارائه نشده؛ اما در بعضی از واژه نامه ها و فرهنگ های فقهی تعابیری آمده است . از جمله اینکه : « جرائم در حالت عادی ، مجازات معمول و مشخص خود را دارند ، ولی گاهی اوضاع و احوال ، زمان یا مکان و یا حتی کیفیت اجرای جرم ، از شقاوت و سنگدلی بیش از حد مجرم حکایت دارد و به دلیل همین شخصیت نامتعادل او ، مجازات عادی برای او کافی نیست ، از این رو ، مجازات او شدت و حدّت بیشتری لازم دارد . که به آن تشدید مجازات گفته می‌شود» (خاوری،۱۲٤). و در کتاب فرهنگ فقه، تغلیظ (سخت گیری در تنگا قرار دادن کسی) را به دو گونه گفتاری و رفتاری تقسیم نموده که از تغلیظ فعلی تعبیر به « تشدید مجازات» کرده است(***فرهنگ فقه*** ،۲/ ٥٤٩).

تعریف تکرار جرم

«تکرار جـرم» یکی از جهـات عـام تشدیـد مجـازات است کـه بـه جـرم معینی اختصاص ندارد ؛ بلکه قابل تسّری به تمام جرائم می باشد و حاکی از عدم اصلاح مجرم و اصرار او در نقض قوانین کیفری است .

در تعریف «تکرار جرم» ، از منظر حقوق گفته شده که ، حالت شخصی است که به طور قطعی به مجازات محکوم شود و به واسطه ارتکاب مجدد جرم در معرض محکومیت جزایی قرار گیرد(علی آبادی،۲۸٦/۲). همچنین بیان شده که گاه شخصی واحد مرتکب جرائم متعدد می شود در این صورت دو فرض پیش می آید . یکی آن که جرم یا جرائم بعدی پس از آن که در مورد جرم قبلی حکم محکومیت قطعی صادر شد ، انجام می گیرد که این مورد را « تکرار جرم » می گویند(صانعی، ۷٦۸).

در فقه تعریف خاصی از «تکرار جرم » ارائه نشده است ؛ اما برای حالت تکرار احکام خاصی بیان شده است که با استقرای آن ، امید است تعریفی دقیق ارائه شود.

یکی از احکامی که برای حالت «تکرار جرم » در کتب فقهی امامیه بیان شده این است که ارتکاب مجدد جرم را در صورتی که از نوع جرم اول باشد از مصادیق «تکرار جرم » محسوب می شود و انجام دوباره جرمی را که متفاوت از نوع جرم اول باشد، جزء موارد « تکرار جرم » تلقی نمی شود. به طور مثال آمده است ، تکرار خوردن حرام موجب مجازات قتل است(طوسی، ***النهایه***،۷۲۲، ابن ادریس، ٤۷۸/۳)؛ اگر حد قذف ۳ بار تکرار شود، قاذف در مرتبه چهارم کشته می شود(شهید ثانی، ۱۹۰/۹)؛ تجارت سموم کشده ممنوع و قابل مجازات و در صورت تکرار موجب قتل است (طوسی، **النهایه**،۷۱۳)، سرقت در مرتبه چهارم موجب قتل است(طوسی، **الخلاف**، ٤٤۲/٥)؛ مساحق در صورت تکرار به مرگ محوم می شود (شیخ مفید، ۷۸۷)؛ شرب خمر در مرتبه چهارم موجب قتل است(طوسی،**الخلاف**، ٤۷۳/٥). که ظاهر این عبارات ارتکاب مجدد جرم را در صورت هم نوعی با جرم اول ، « تکرار جرم » شمرده است .

همچنین فقهـای ما ارتکـاب دوباره یـک جرم را در صورتی از مصادیق «تکـرار

جرم» می داننـد که بعـد از محکومیـت قطعـی مجـازات یک جرم و اجرای آن باشد و صرف انجام دادن مجدد یک جرم را « تکرار جرم » نمی دانند . به طور مثال آمده است، تکرار قذف قبل از اجرای حد به منزله یک قذف است(شهید ثانی،۱۹۰/۹). نوشیدن چند بار مسکر قبل از اجرای حد ، یک حد را جاری می کند(همو،۲۰٦)؛ تکرار سرقت در بار چهارم سبب ثبوت حد قتل می گردد ، به شرط آن که پس از ارتکاب هر بار در مراحل قبلی ، حد اجرا شده باشد(نجفی،۳۳۱/٤۱) ؛ اگر سرقت تکرار شود و در خلال آن حد جاری نگردد ، دست سارق یک بار بریده می شود (شهید ثانی ،۲۸۷/۹) ؛ تکرار زنا ؛ شرب خمر و سرقت قبل از اجرای حد به منزله یک حد است(نک : علامه حلی ، ۱۷٤/۲، ۱۸۰ و ۱۸٤). که ظاهر این عبارات دلالت بر این می نماید که انجام مجدد یک جرم قبل از محکومیت قطعی یک جرم و اجرای حد به منزله تکرار نمی باشد . با توجه به این توضیحات تعریف « تکرار جرم » در اصطلاح فقه جزا از این قرار است :

تکرار جرم در اصطلاح فقه جزا وضعیتی است که شخص بعد از محکومیت قطعی و اجرای مجازات، مجدداً مرتکب همان جرم شده باشد.

آیات مورد استشهاد به تشدید مجازات در صورت تکرار جرم

۱ـ **[وَالَّذِینَ لا یَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلا یَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلا بِالْحَقِّ وَلا یَزْنُونَ وَمَنْ یَفْعَلْ ذَلِکَ یَلْقَ أَثَامًا * یُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَیَخْلُدْ فِیهِ مُهَانًا]** (فرقان/٦۸و٦۹).

« و کسانی که با خدای یکتا خدایی دیگر نخوانند و انسانی را که خدا محترم داشته جز به حق نکشند و زنا نکنند و هر که چنین کند به زودی سزا بیند... عذابش دو برابر شود... » (همدانی،۳۳۰/۱٥).

توضیح : آیه شریف، پس از اشاره به چند جرم ؛ یعنی شرک، قتل عمدی و زنا، یاد آور شده است که انجام جرائم مزبور، افزایش کیفر را به دنبال دارد. هر چند از آیه، آشکارا نمی‌توان برداشت نمود که تشدید مجازات به دلیل انجام چند جرم، یعنی جرائم

ذکر شده در آن می‌باشد به گونه ای که به باور برخی، از آنجا که خداوند زیادتر از استحقاق مجرم، کیفر را افزایش نمی‌دهد، دو چندان شدن عذاب ذکر شده در آیه از اَجزای مجازات می‌باشد نه تشدید آن(طبرسی،۳۱۲/۷)؛ با توجه به این مطلب، حقیقت مذکور در آیه شریف انکار کردنی نمی‌باشد که پس از بیان چند جرم، از دو چندان شدن مجازات سخن به میان آورده و چنین رویکردی، دست کم برای استدلال به ظاهر آن برای فرع مورد بررسی، کافی به نظر می‌آید. گفتنی است که برخی مفسران درباره همین آیه به تشدید مجازات به دلیل چندگانگی جرائم، اشاره کردند(طباطبایی،۲٤۲/۱۹)

علاوه بر آن در تفسیر نور گفته شده که: به اتفاق همه علما و مفسران – با توجه به ادامه آیه درباره خلود – زنا به تنهایی سبب جاودانگی در دوزخ نمی‌شود (قرائتی، ۲۸۲/۸) بنابراین مسأله خلود و جاودانگی در دوزخ تنها برای کسی است که مرتکب هر سه گناه شده باشد در تفسیر المیزان نیز سه احتمال را در خلود بیان می‌دارد و احتمال سوم را که کلمه « ذلک » اشاره به همه این سه گناه است، مقدم می‌دارد (همدانی، ۳۳٤/۱۵). بنابراین دو چندان شدن عذاب به دلیل تشدید مجازات است نه اینکه از اجزای مجازات باشد.

با این حال این آیه را هنگامی می‌توان به عنوان یک قرینه بر تشدید مجازات در تکرار جرم دانست که هم نوعی جرم سابق و لاحق را شرط ندانیم و علاوه بر آن در شرایط لازم برای تحقق تکرار جرم فقط مبنای انجام چند جرم پس از صدور حکم ملاک باشد زیرا محاکمه برای شخص مجرم صورت نگرفته است.

۲ـ**[الَّذِینَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ یَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِی کُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لا یَتَّقُونَ* فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ]**(انفال /٥٦و٥٧).

«آنانکه تو با ایشان پیمان بستی آنگاه ایشان در هر بار عهد خود را می شکنند، و ایشان نمی پرهیزند. * پس هر گاه در جنگ بر ایشان دست یافتی (چنان بر ایشان بتاز

که) به وسیله آنان تار و مار شود هر که پشت سر ایشان است، بلکه متذکر شوند» (۱٤٦/۹).

توضیح: با درنگ در آیه شریف پیوستگی آن با فرع مورد بررسی ؛ یعنی تکرار جرم، آشکار می‌شود، زیرا هر چند موضوع آن به ماجرای پیمان شکنی پی در پی یهود بنی قریظه باز می‌گردد و به همین دلیل، ممکن است گفته شود که زیر پا گذاردن قرارداد، به طور کلی جرم به شمار نمی‌آید تا از همسانی آیه شریف با اصطلاح تکرار جرم سخن به میان آید، وانگهی، با فرض جرم پنداری پیمان شکنی، درباره زیر پاگذاری قرار داد نخست به وسیله گروه یاد شده، از سوی دادگاه یا هر مرجع رسیدگی کننده در آن روز حکمی صادر نشده است تا شاخصه تکرار جرم در اصطلاح حقوق جزا را دارا باشد. می توان گفت، دو پرسش مزبور نمی‌تواند میان آیه شریف با واژه تکرار جرم، گسست کامل پدید آورد، زیرا از یک سو به دلیل حکایتگری آیات قرآن از قوانین کلی، هر چند در ساختار یک نمونه، نمی‌توان موضوع آیه شریف را تنها در حصار پیمان شکنی یهود محدود نمود و آنگاه چنین نتیجه گرفت که به دلیل جرم نبودن آن از دیدگاه حقوق جزا، پیوند آیه شریف با اصطلاح تکرار جرم گسیخته می‌شود، بلکه با برون رفت از دایره تنگ پیمان شکنی و نگاهی فراتر از آن به آیه، چنین به دید می‌آید که قرآن کریم، تکرار هر رفتار ناپسندی، خواه پیمان شکنی و خواه جز آن را به ناسزا گرفته است ؛ بدین سان، تکرار جرم در قلمرو « تکرار هر رفتار ناپسند» جای خواهد گرفت. از سوی دیگر، درباره صادر نشدن رأی به وسیله دادگاه یا محکمه که عنصر جدا کننده تکرار جرم از تعدد آن می‌باشد نیز می‌توان گفت: داوری و گواهی پیامبر (ص) به عنوان رأس هرم جامعه اسلامی بر پیمان شکنی نخست، خود برترین رأی از عالی ترین محکمه به شمار می‌آید. و آیه بعد نیز به حمله شدید به پیمان شکنان به نحوی که مایه عبرت دیگران شود- اشاره می کند؛ در نتیجه در پرتو پاسخ گویی به دو پرسش یاد شده، همسویی آیه شریف با فرع مورد بررسی، نمایان می‌شود.

اما ناگفته نماند که این آیه نیز مثل آیه قبل، انجام یک جرم را تا مرحله صدور حکم پیش برده و در مورد اجرای حکم سخنی به میان نیامده است؛ بنابراین شاخصه تکرار جرم را در صورتی می توان پذیرفت که جرم را به هر گونه رفتار ناپسند تعمیم داده و قائل به تکرار جرم در صورت اجرای مجازات نشویم؛ بلکه تحقق تکرار یک جرم را تا مرحله صدور حکم کافی بدانیم؛ در نتیجه تکرار جرم برای جرائم دیگر به قیاس اولویت ثابت است.

بنابراین اگر اجرای حکم و هم نوعی جرم را در آیه اول و اجرای مجازات در آیه دوم را ملاک ندانیم، مستندات قابل قبولی برای تشدید جرم درصورت تکرار جرم وجود دارد.

انواع تکرار جرم

در این قسمت تکرار جرم با توجه به انواع آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تکرار جرم بر حسب تشابه جرم اول و دوم یا فاصله زمانی بین ارتکاب جرم اول و دوم و غیره متفاوت است و به انواع مختلف تقسیم می‌شود و بر همین مبنا از تکرار جرم دائم و موقت، تکرار جرم عام و خاص و تکرار جرم ساده و تصاعدی مطالبی ارائه می‌دهیم.

۱- تکرار جرم دائم و موقت

در تکرار جرم دائم برای تشدید مجازات بین جرائم ارتکابی و محکومیت‌های متوالی فاصله زمانی لحاظ نمی‌شود، بر عکس در تکرار جرم موقت برای تشدید مجازات بین جرائم ارتکابی و محکومیت‌ها فاصله زمانی در نظر گرفته شده است، مثل مدت پنج یا ده سال.

در مورد تکرار جرم موقت چون مدت زمانی بین جرائم ارتکابی فاصله وجود دارد، ارتکاب جرم توسط مجرم، حاکی از اصرار وی بر فعالیت مجرمانه سابق نیست تا مستحق مجازات شدید باشد و در مورد چنین فردی باید گفت:

«چون مدتی بین جرائم ارتکابی فاصلـه وجـود دارد، عـود متهم به ارتکاب جرم دلالت نمی‌کند که در فعالیت جنایتکارانه سابق که مستلزم مجازات شدید است لجاجت ورزیده باشد. چنین متهمی را با یک بیمار مقایسه کرده و می‌گویند ارتکاب جرم از طرف او در حکم عود به وضع سابق نیست بلکه مانند بیماری است که نا خوشی جدید بر او عارض شده و محتاج مداوای خاص است»(علی آبادی ،۲۸۲/۲).

در فقه کدام نوع تکرار ملاک است، تکرار جرم دائم یا موقت؟

با توجه به عبارات فقها از جمله «فی هذا الحد الاول قطع الاصابع الاربع و لو سرق ثانیا، قطعت الرجل الیسری و فی الثلاثه یحبس ابدا و فی الرابعه یقتل » (شهید ثانی ، ۲۸٤/۹). اینچنین استنباط می‌شود که کلام آنها نسبت به فاصله زمانی انجام جرم[۱] اطلاق دارد و مانعی برای عدم اطلاق نمی‌باشد بنابراین اگر قرینه ای بر تقیید رفع تشدید مجازات نباشد، تشدید مجازات در هر بار تکرار، جاری می‌شود و فاصله زمانی از تشدید جرم نمی‌کاهد، در نتیجه به نظرمی‌رسد که تکرار جرم دائم، ملاک در فقه باشد.

۲ـ تکرار جرم عام و خاص

در تکرار جرم عام، ارتکاب جرائم متوالی از یک نوع، برای تشدید مجازات ضروری و لازم نیست اما در تکرار جرم خاص لازمه تشدید مجازات، ارتکاب جرائم از یک نوع و شبیه به هم می‌باشد. مثلاً در تکرار جرم خاص فردی که مرتکب جرح و ضرب شده و بعداً مرتکب جرم کلاهبرداری شود، مشمول قواعد تکرار جرم نمی‌باشد.

۱. اگر اطلاق را فقط محدود به نصوص ندانیم.

اختلاف نظر دانشمندان حقوق، در اینکه آیا تکرار خاص موجب تشدید مجازات می‌شود یا فقط تکرار عامل مؤثر در تشدید است، علت تقسیم تکرار جرم به عام و خاص شده است(لطفی ،۲۰).

به نظر می‌رسد که با توجه به تعریف ارائه شده از تکرار جرم، ملاک فقه تکرار جرم خاص می‌باشد.

۳ـ تکرارجرم ساده و تصاعدی (به عادت)

در تکرار جرم تصاعدی یا به عادت مجرم، ارتکاب جرم را عادت و شغل خود قرار داده است اما در تکرار جرم ساده فاعل، جرائم را چند بار انجام داده ولی دیگر در پی تکرار و تجدید آن نیست.

در هردو مورد، قانونگذار نسبت به تشدید آنها مقرراتی را وضع کرده است ولی در نوع اول این مجازاتها شدیدتر است، چه اینکه عمل مجرم حاکی از اصرار و تجری وی می‌باشد اما در مورد دوم تشدید کمتری در نظر گرفته است.

ممکن است گفته شود که عمل مجرم در جرم تصاعدی حاکی از اصرار و تجّری وی باشد و در مورد جرم ساده، تشدید کمتری در نظر گرفته شود و یا اینکه تشدید مجازات در جرم تصاعدی نسبت به جرم ساده کمتر باشد، زیرا عادت در اراده مرتکب تأثیر می‌کند و از مقاومت او در مقابل تمایلات نفسانی می‌کاهد و آزادی اراده را از او سلب می‌کند.

اما در جواب مدّعای اول باید گفت که ماهیت اصرار(نقض و تهدید قوانین کیفری) در هر دو مشاهده می‌شود(همو ،۲۲) و اینکه فاعل، جرمی را انجام داده و در پی تکرار و تجدید آن نبوده (جرم ساده)، اگر عمدی باشد که قصد تکرار جرم بارز

است و اگر سهوی باشد که مقوله ای جدا خواهد بود و بحث آن جدای از انجام یک جرم با سوء نیت است.[۱]

و در جواب مدعّای دوم باید گفت که « الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار» (بهبهانی ،۱٤۷/۱) یعنی خود مجرم با اراده و اختیار خودش این جرم را عادت خویش نموده و مکافات آن را هم نیز باید تحمل کند.

در نتیجه به نظر می رسد ظاهراً فرقی بین جرم ساده و تصاعدی در نحوه تشدید نمی‌باشد.

حکم تشدید مجازات در « تکرار جرم »

در حقوق جزایی ایران که متاثر از فقه امامیه است ، حکم تشدید مجازات تنها در صورتی ممکن است که از طرف خود قانون پیش بینی شده باشد و قاضی نمی تواند به میل خود و در غیر از مواردی که تشدید از طرف قانون مقرر شده ، مجازات جرمی را تشدید کند ، هر چند که این جرم از نظر اجتماع بسیار زننده و خطرناک باشد . اختیار قاضی در این زمینه محدود به آن است که بین حداقل و حداکثر مجازات ها ، مجازاتی مناسب مرتکب هر جرم خاص تعیین کند و نمی تواند مجازاتی بیش از حداکثر پیش بینی شده در قانون تعیین نماید (صانعی ، ۷٦۰)

در قانون مجازات اسلامی حکم تشدید مجازات را در مجازات های تعزیری و باز دارنده مشمول مقررات « تکرار جرم » دانسته. (نک: ق.م ا ، م ٤۸)

و در تشدید مجازات های غیر تعزیری و باز دارنده ، مثل تکرار در سرقت و شرب خمر باید به ابواب خاص آنها مراجعه کرد .

---

۱. اینکه جرمی از روی سهو و بدون قصد از سمت فاعلی تکرار شود، محل تأمل است، مثل اینکه شخص برای بار دوم سرقت کند و بگوید از عمد سرقت نکرده ام مگر اینکه شخص مکره شده باشد و یا نظیر آن، که قطعاً مجازات یا ساقط می‌شود یا تخفیف دارد؛ زیرا مهم ترین هدف از تشدید مجازات اصلاح و تربیت مجرم است و اینکه اعمال مجازات اولی برای مرتکب جرم کافی نبوده است و این موضوع در جرائم غیر عمدی منتفی است.

در فقه امامیه حکم تشدید مجازات در بخش حدود مثل تکرار زنا ، شرب خمر، قوادی ، قذف و سرقت معین شده است و در مورد مجازات تعزیری و نظیر آن ، در پاره ای از مواقع، نحوه تشدید مجازات در صورت تکرار جرم مشخص شده و در مواقع دیگر کمّ و کیف آن به دست حاکم سپرده شده؛ مثلا در بحث کیفرهای پراکنده آمده است که اگر شخصی از عورت گروهی مطلع شود و خویشاوند ایشان باشد تنها او را نهی می‌کنند و کار دیگری نمی‌کنند مگر آنکه نگاه او به زن برهنه ای باشد که در این صورت می‌توان او را پس از نهی و زجر، سنگ زد [چون در تحریم نگاه به عورت با مرد بیگانه مساوی است]، وقتی نوبت به سنگ انداختن رسید در سنگی که به طرف او انداخته می‌شود باید رعایت مراتب را کرد و از کوچک آغاز کرد و کم کم به مقدار آن افزود، به گونه ای که این کار را ترک کند. پس اگر دست برنداشت جز با انداختن چیزی که موجب کشته شدن او می‌شود، خونش هدر خواهد بود(شهید ثانی، ۳۵۲/۹؛نجفی ، ٦٦۲/٤۱).

این عبارت اشاره به تشدید مجازات در صورت تکرار جرم دارد زیرا انجام این جرم در وهله اول با تشر همراه است اما در مرحله دوم با پرتاب سنگ است که وارد شدن جنایت بر او وحتی خون مرتکب این جرم تعزیری هدر خواهد بود.

هدف یا حکمت تشدید مجازات در« تکرار جرم »

در حقوق، هدف از مجازات تنها ارعاب دیگران(انصراف یا بازدارندگی عمومی) و تأمین سلامت عموم جامعه نیست. بلکه هدف مهم اصلاح و تربیت مجرم است تا اعمال ناپسند و غیر انسانی خود را در آینده تکرار نکند (باز دارندگی فردی) و چون مجازات جرم اول در تغییر رفتار مجرم مؤثر نبوده و جرم را تکرار نموده است چنین نتیجه گیری می‌شود که باید با توجه به شخصیت مجرم و حالات روحی و روانی وی، بیش از پیش در مجازاتش تشدید کرد.

برخی از اندیشمندان نسبت به قانون تکرار جرم انتقاد می‌کنند که این قانون عادلانه و بر اساس انصاف نیست چرا که مجرم، در برابر جرم اول خود، مجازاتی را متحمل شده است و دیگر جوازی برای تشدید مجازات جرم جدید او وجود ندارد، در حالی‌که تشدید تکرار جرم به لحاظ جرم اول نیست بلکه مبنای تشدید، حالات درونی مجرم است که مجازات سابق در وی اثر نکرده است و شایسته است که در صورت ارتکاب جرم جدید مجازات شدیدتری برای او در نظر گرفت (لطفی،١٤).

فقیهان نیز هدف کلی حدود و تعزیرات را بازدارندگی فاعل جرم از ارتکاب فواحش و جنایات می دانند. ازجمله: سید مرتضی علم الهدی می‌گوید: «حدود با این هدف در شریعت پیش بینی شده اند که مردم را از ارتکاب فواحش و جنایات باز دارند»(سید مرتضی ،۵۱۲). شهید اول و فاضل مقداد نیز می‌گویند: «احکام بازدارنده بر دو قسم می‌باشند. یکی از آن دو قسم، احکامی هستند که فاعل را از تکرار و دیگران را از ارتکاب آن عمل باز می‌دارند مانند حدود و تعزیرات و قصاص» (فاضل مقداد، ۳۰٤).فیض کاشانی می‌گوید: «و شایسته است که برای اجرای حد، مردم را مطلع سازند... تا با حضورشان – همانگونه که حکمت حدود اقتضا می‌کند – عبرت و بازدارندگی حاصل شود»(فیض کاشانی ، ۸۱/۲).صاحب جواهر نیز حضور مردم را برای اجرای حد، سبب بازدارندگی مجرم و دیگران از ارتکاب جرم می‌داند و از آن به حکمت حد یاد می‌کند(نجفی ، ۳۵۳/۱).

شرایط لازم برای تحقق تکرار جرم

با توجه به توضیحات گذشته شرایط لازم برای تحقق تکرار جرم عبارتست از:

۱ـ محکومیت جرم سابق بایستی قطعی شده باشد.

قانونگذار سال ۷۰ در ماده ٤۸ بدین موضوع اشاره دارد. عبارت «چنانچه بعد از اجرای حکم»، حاکی از آن است که تا زمانی که حکم محکومیت قطعی نشده باشد، قابلیت اجرایی نخواهد داشت.

منظور و مقصود از حکم قطعی چیست؟ طبق قوانین و مقررات سابق، حکم کیفری وقتی قطعی تلقی می‌شد که تمام مراحل دادرسی طی شده و دیگر قابل شکایت نباشد مگر در موارد اعاده دادرسی(نک : قانون آیین دادرسی، م ۲۷، ۳۱۷و۳۸٦).

طبق قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو مصوب ۱۳٦۸ کلیه احکام دادگاه‌ها قطعی نبود؛ زیرا از یک حکم، امکان تقاضای چند بار تجدید نظر وجود داشت همچنین تجدید نظر از احکام کیفری به مدت زمان خاصی محدود نشده بود ؛ بنابراین احکام کیفری از قطعیت برخوردار نبود(نک: قانون تشکیل دادگاههای کیفری، م۲۸و۳٥).

باید اذعان داشت در حال حاضر نیز قطعیت احکام کیفری در هاله ای از ابهام به سر می‌برد.

در زمان تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ انتظار می‌رفت نسبت به این موضوع عنایت لازم بشود ؛ اما متأسفانه این چنین نشد و این مشکل مانند گذشته در سیستم قضایی ما حل نشده باقی ماند.

با مطالعه کوتاه در مواد این قانون به مشکل مذکور پی خواهیم برد. چنانچه از ماده ۷ این قانون به دست می‌آید احکام دادگاه‌های عمومی و انقلاب قطعی است مگر در مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدید نظر پیش بینی شده باشد. از طرف دیگر در تبصره ماده ۲٤ آمده است: «قطعیت حکم در صورتی است که از موارد سه گانه مذکور در ماده ۱۸ نباشد.»

ماده ۱۸ چنین می‌گوید: «آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب اعم از حکم یا قرار در موارد زیر نقض می‌شود: ۱- قاضی صادر کننده رأی متوجه اشتباه رأی خود شود. ۲ - قاضی دیگری پی به اشتباه رأی صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادر کننده رأی تذکر دهد متنبه گردد. ۳ - ثابت شود قاضی صادر کننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی نداشته است».

همانطور که از ماده ۱۸ مشخص است در صورتی‌که یکی از موارد فوق در حکم مشاهده شود حکم قابل تجدید نظر خواهد بود. بنابراین احکام، قطعی نیست و در صورت وجود یکی از موارد فوق یا موارد دیگر[1] در حکم، حکم قابل تجدید نظرخواهی و نقض خواهد بود.

در پایان این بحث باید خاطر نشان نمود که احکام قطعی به احکامی اطلاق می‌شود که به موجب هیچ یک از موارد تجدید نظر مرقوم در قوانین کیفری قابل شکایت و طرح مجدد نباشد(نک : عسگری ، بررسی و نقد ماده ۱۸).

۲ـ حکم قطعی باید به طور کامل اجرا شده باشد.

بنابراین چنانچه محکوم بعد از صدور حکم و قطعی شدن آن و یا قبل از اجرا یا در اثنای مجازات مرتکب جرم دیگری شود، فعل از قواعد تکرار به حساب نمی آید.

در این خصوص محکومیت‌های تعلیقی، آزادی مشروط، عفو(عمومی و خصوصی) مطرح می‌شود که ما در مباحث قبلی مطالبی در این مورد ارائه داده ایم.

۳ـ حکم محکومیت سابق باید تعزیری و بازدارنده باشد.[2]

بنابراین محکومیت به مجازات‌هایی مانند حدود، قصاص و دیات در تشدید جرائم بعدی مؤثر نبوده و موارد مذکور از نظر تکرار جرم تابع شرایط خاص می‌باشد(نک : ق.م.ا،م۱۵۷،۱۲۲،۹۰و۱۷۹).

٤ـ جرم اول و دوم تعزیری یا نظیر آن باشد.

بنابراین هر گاه جرم سابق و لاحق غیر تعزیری باشد قواعد تکرار جرم قابل اجرا نخواهد بود؛ زیرا مشمول قواعد خاص خواهد بود و هر مورد به تفکیک بیان شده است.

---

۱. ماده ۱۹ همین قانون مواردی از آرای قابل درخواست تجدید نظر را مشخص کرده است.

۲. بر طبق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی منظور از مجازاتهای بازدارنده تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد. مانند، حبس، جزای نقدی،...

آیا ضرورت دارد که جرم دوم از نوع جرم سابق یا مانند آن باشد؟

در ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی از تکرار عام پیروی کرده بود ؛ بنابراین اگر جرم دوم عین جرم اول بود تشدید مجازات بیشتری در نظر می‌گرفت.[۱]

قانون راجع به مجازات اسلامی سال ٦۱ تکرار جرم را منحصر به موردی کرد که فرد مرتکب همان جرم قبلی شده باشد اما در ماده ٤۸ قانون مجازات اسلامی تکرار جرم را نسبت به هر جرم قابل تعزیر تعمیم داده است که مفاد این ماده با قواعد حقوق جزا بیشتر منطبق است و از سوء استفاده مجرمین حرفه ای جلوگیری می‌کند.

این مسأله در مجازات‌هایی مانند حدود و قصاص در فقه مطرح شد. آنجا چنین نتیجه گرفته شده است که باید جرم اول و دوم همسان باشد یعنی اگر کسی مرتکب جرم سرقت شد و برای بار دوم همین جرم را انجام داد، جزء مصادیق تکرار جرم است ولی اگر برای بار دوم جرمی غیر از سرقت انجام دهد از قواعد تکرار جرم خارج است.

حال با توجه به اینکه در شرع برای مجازات‌هایی مانند سرقت و نظیر آن مقدار و حد مجازات تعیین شده، معلوم می‌شود که نسبت به مجازات‌های تعزیری اهمیت بیشتری در نزد شارع داشته که اندازه مجازات به دقت مشخص شده و در تکرار جرم نیز میزان تشدید، تعیین شده؛ بنابراین وقتی قائل بر تشدید مجازات در صورت هم-نوعی مجازات لاحق با سابق بشویم - بنابر توضیحات گذشته – به طریق اولی برای مجازات‌های تعزیری و نظیر آن نیز این هم‌نوعی ملاک خواهد بود و علاوه بر آن قاعده «الوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبَهاتِ خَیْرٌ مِنَ الاِقْتِحامِ فِی المُحَرَّمات» (حرعاملی، ۱۵۸/۲۷) بر این ملاک تأکید می‌کند و همچنین اگر بگوییم تعمیم این مسأله یعنی تشدید مجازات در صورت انجام جرم غیر هم‌نوع، سبب بازدارندگی بیشتر مجرم از ارتکاب جرم می‌شود با اصل رحمت و تخفیف در جزای اسلام(نک: مجموعه مقالات ...، ۳۰۹) از دیدگاه

---

۱. طبق ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی اگر مجرم مرتکب جرم جدیدی از نوع جرائم سابق می شد مجازات او بیش از حداکثر مجازات (دو برابر حداکثر مجازات) تعیین می شد.

قرآن و اصل قانونی بودن جرم و مجازات(نک:همان،۳۲۱) منافات دارد زیرا در شرع تصریح بر این امر نشده و حتی وقوف در این مسائل را بهتر دانسته است.

در نتیجه برای تحقق تکرار جرم شرط دیگری به عنوان شرط پنجم در فقه ضرورت دارد.

۵ـ جرم لاحق از نوع جرم سابق باشد.

بنابراین ارتکاب یک جرم تعزیری در صورت تکرار همان جرم تعزیری با تشدید مجازات همراه است.

نکته قابل توجه در این شرط عدم تفاوت جرائم عمومی و سیاسی از نظر قانونگذار می‌باشد اما با توجه به قوانین موجود این گونه استنباط می‌شود که جرم سیاسی دارای دو ویژگی حدی و تعزیری می‌باشد.

اگر جرم سیاسی ویژگی حدی داشت مانند محاربه یا در حکم محاربه، از محدوده تکرار جرم ماده ٤٨ خارج است اما اگر متضمن ویژگی تعزیری باشد طبیعی است که مشمول قاعده تکرار جرم مندرج در ماده ٤٨ قانون مجازات اسلامی قرار بگیرد.

٦ـ محکومیت قبلی باید از محاکم ایران صادر شده باشد.

هر چند این شرط در قانون صریحاً نیامده است ولی با عنایت به تغییر بنیادی نظام کیفری بر مبنای فقه اسلامی و لزوم اجرای احکام کیفری اسلام در مورد اتباع کشور و با توجه به سرزمینی بودن قوانین کیفری که با عدم اجرای احکام کشورهای دیگر در ایران حکم کشور خارجی بی اثر می‌ماند، این شرط موجّه به نظر می‌رسد. البته باید توجه داشت بین دادگاه‌های اختصاصی و عمومی داخلی تفاوتی از لحاظ مقررات تکرار جرم وجود ندارد.

حدود تشدید در تکرار جرم

أ ـ حدود تشدید در قانون و حقوق

میزان تشدید مجازات در تکرار جرم به حسب کشورهای مختلف و عقائد علمای حقوق متفاوت است.

به طور کلی شیوه تشدید از دو حالت خارج نیست. یا اینکه درجه مجازات تغییر می‌کند مثلاً اگر مجازات جرمی فقط حبس باشد در صورت تکرار جرم ممکن است مجازات او را به حبس موقت با اعمال شاقه که یک درجه شدیدتر است، تبدیل کرد.

یا اینکه مجازات اضافه ای در نظر گرفته می‌شود. به طور مثال اگر مجرم سابقه محکومیت داشته باشد و مرتکب جرم دیگری شود ببیش از حداکثر مجازات (یا یک برابر و نیم یا دو برابر) محکوم می‌شود.

در قانون ۱۳۰٤ در تشدید مجازات دو سیستم را (تغییر درجه مجازات، تعیین حداکثر) تعیین کرده بود.

در سال ۱۳۵۲ قانونگذار، سیستم ترکیبی یا تلفیقی گذشته را رها کرده و فقط طریق دوم (تعیین حداکثر یا مجازات اضافه) را انتخاب کرد.

طبق ماده ۲۵ اصلاحی قانون مجازات عمومی سال ۵۲ برای مجازات تکرار جرم دو فرض پیش بینی شد. اگر جرم دوم همانند جرم اول بود، مجازات آن بیش از حداکثر مجازات جرم جدید بود به طوری‌که از دو برابر حداکثر مذکور تجاوز نکند.

اما اگر جرم دوم از نوع جرم قبلی نبود در این فرض مجازات او بیش از حداکثر مجازات جرم جدید بود به طوری که از یک برابر و نیم حداکثر مذکور تجاوز نکند.

اما پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ میزان تشدید تعیین نگردید و این امر باعث

بروز مشکلاتی در صحنه مراکز قضایی کشور شد و اختلاف عمل در رویه به گونه‌ای - بروز کرد که برخی دادگاه‌ها به استناد مغایرت چنین حکمی با اصل قانونی بودن جرم و مجازات از محدوده حداکثر مجازات قانونی جرم پا را فراتر نگذاشتند.

برخی دیگر با توجه به خصوصیت تعزیری موضوع، گاهی نسبت به بیش از حداکثر مجازات قانونی اقدام کردند.

بنابراین با توجه به اینکه قانونگذار در ماده ٤٧ قانون مجازات اسلامی میزان تشدید را در اختیار دادگاه قرار داد، این اختلافات شکل جدی به خود گرفت به طوری‌که بعضی از محاکم در صورت تکرار و تعدد جرم، تشدید را فقط تا حداکثر مجازات قانونی جایز می‌دانند و بعضی از محاکم مجازات بیش از حداکثر قانونی را نیز بلامانع می‌دانند (نک: نور بهاء ،۲۹۵؛ اردبیلی، ۲۳۵/۲).

ب ـ حدو د تشدید در فقه امامیه

۱- تشدید مجازات در جرائم تعزیری

در فقه امامیه در جرائم حدودی و مانند آن برای هر مرتبه تکرار جرم، حدود تشدید مجازات مشخص شده است اما در جرائم تعزیری حتی مقدار تعزیر، در ارتکاب اول بسته به نظر امام یا جانشین امام است.

از جمله آمده است که مقدار تعزیر بسته به نظر امام است یا کسی که نائب و جانشین امام می‌باشد، مانند هر تعزیری که شرعاً برای آن مقدار خاص تعیین نشده است و تعزیر در بسیاری از روایات مطلق آمده و برای آن اندازه خاصی مشخص نشده است(نک : طوسی ،٣٦٨/٥).

در عبارت دیگری آمده است که نصوص خاصی که وارد شده براین دلالت می‌کند که تعزیر توسط حاکم اجرا می‌شود... و اما در مقدار تعزیر، جماعتی از جمله محقق در کتاب شرائع گفته اند که از حد آزاد در مورد فرد آزاد و حد بنده در مورد بنده تجاوز نمی‌کند... بلکه ظاهر از خبر صحیح حماد این است که مقدار تعزیر کمتر از حد مطلق

است، که از امام صادق روایت شده که مقدار تعزیر کمتر از حد است پس راوی می‌گوید: پرسیدم، کمتر از هشتاد تازیانه؟ گفت نه بلکه کمتر از چهل تازیانه که حد مملوک است، پرسیدم، و چه مقدار؟ گفت: به اندازه آنچه که والی از گناه شخص قوّت بدنش می‌داند... پس مقدار ثابت این است که مقدار تعزیر به مقدار حد نرسیده و اما تقیید آن به بیشتر از آن ثابت شده نیست. پس تعزیر برای حاکم است به مقدار آنچه مصلحت می‌بیند و کمتر از مقدار حد(خویی،۳۳۸/۱).

از این عبارت نکته‌های زیر به دست می‌آید:

۱- مقدار تعزیر کمتر از مقدار حد است و چون بعضی گفته اند کمتر از هشتاد، و بعضی اخبار حاکی کمتر از چهل می‌باشد، وقوف در شبهه بهتر است یعنی کمتر از چهل تازیانه.[1](همو، ۳٤۰)

۲- مقدار تعزیر به حسب گناه شخص و قوت بدنی وی متغیر است.

۳- تشخیص مقدار تعزیر با توجه به صلاحدید حاکم است.

۲- تکرار مجدد جرم تعزیری

آیا در فقه امامیه تکرار مجدد جرم تعزیری می‌تواند مجازاتی همانند مجازات حدود داشته باشد؟

شاید مهمترین دلیلی که شارع مقدار مجازات را در جرائم حدودی به دقت بیان نموده است، اهمیت آن برای مصلحت جامعه و فرد بوده و به مخاطره افتادن نظام جامعه در صورت مشخص نبودن مجازات می‌باشد و اصرار بر یک جرم تعزیری نیز در ملاک به مخاطره انداختن مصلحت جامعه در جرائم حدودی تا حدودی مشترک می‌شود. بنابراین ممکن است قائل به تشدید مجازات به مقدار حد شد که البته نوع جرم و چگونگی انجام آن و شرایط دیگر را باید لحاظ کرد.

---

۱. گفته شده که، برای تعزیر حد خاصی نیست؛ بلکه مقدار آن به مصلحت و نظر حاکم سپرده شده است.

علاوه بر آن می‌توان گفت که انجام مکرر یک جرم تعزیری می‌تواند عقوبت شدیدی را در بر داشته باشد و در عصر ما بعضی از جرائم مثل پخش آثار مستهجن و cd های مبتذل در مرتبه اول نیز با مجازات سنگینی همراه است چون مصلحت جامعه را به خطر انداخته یا آبروی یک خانواده را با پخش فیلم خانوادگی آنها برده است که حرمت مؤمن بالاتر از حرمت کعبه است.

۳- عقوبت اعدام در جرائم تعزیری

عقوبت اعدام در گناهان کبیره ای که در بخش حدود مشخص شده اند، به تفصیل بیان شده(شیخ مفید، ۷۸۷؛ طوسی، ***النهایه***، ۷۰۹ ،۷۱۳و۷۲۲؛ ابن ادریس،۴۷۰/۳ و ۴۷۸؛ طوسی، ***الخلاف***، ۴۲۲/۵و ۴۷۳و نیز نک: شمس ،۱۴۹).

قاعده فقهی« کُلُ مُرْتَکِبٍ لِلْکَبیرَةِ اِذَا حُدَّ اَوْ عُزِّرَ، قُتِلَ فِی الثَّالِثَةِ اَوِ الرَّابِعَةِ»(یثربی،۲۷۲)مؤید آن است که گناه کبیره ای که جزء جرائم تعزیری باشد در مرتبه سوم یا چهارم مجازات اعدام را در بر دارد .[۱]

دیثی نیز می‌گوید:«لاَ صَغیرَةَ مَعَ الاِصْرارِ، وَ لاَکَبیرَةَ مَعَ الاِسْتِغْفارِ»(کلینی،۲۸۸/۲).

از طرفی اگر در انجام یک جرم تعزیری در صغیره بودن و کبیره بودن آن شک شود – که شک بدوی نباشد – اصل را باید بر صغیره بودن گذاشت – به خاطر اصل رحمت و تخفیف در قرآن – و همچنین اگر روایتی در قتل مرتکب کبیره در دفعه سوم نداشته باشیم، احتیاط در خون، اقتضا می‌کند که مجرم در دفعه چهارم کشته شود [۲]

در نتیجه اگر انجام یک جرم تعزیری به کرّات تکرار شود در دفعه پنجم عقوبت اعدام را در بر دارد مگر اینکه شبهه ای ایجاد شود هر چند که اگر مصلحت مسلمین را به مخاطره اندازد ممکن است در بار اول کیفری چون اعدام داشته باشد.

۱.مجازات اعدام پس از اجرای مجازات یک جرم در مراحل قبلی و ارتکاب مجدد همان جرم می باشد که در صفحات قبل توضیح دادیم .

۲. شهید ثانی نیز درباره مرتد ملّی با توجه با احتیاط در خون قائل به کشته شدن در مرتبه چهارم می‌باشند (نک: شهید ثانی ، ۹|۳۴۵).

٤- مستحق تعزیر

چه کسی مستحق تعزیر است؟

در ***لمعه*** آمده است که هر کسی واجبی را ترک کند یا حرامی را مرتکب شود، پیش از آنکه توبه نماید به مقداری که حاکم تشخیص می‌دهد تعزیر می‌شود(شهید اول، ۲٤۱).

همچنین یک قاعده بیان می‌دارد که: «كُلُّ مَا لَمْ يَرِدْ فِيهِ حَدٌّ مِنَ الشَّرْعِ فی المَعاصِی، فَفیهِ التَّعزیر»(یثربی ،۲۷۲). دو قاعده فقهی«كُلُّ مَا اسْتَلْزَمَ الحَرامَ، فَهُوَ حَرام» (همو ، ۲۷۵) و «كُلُّ مَا أُمِرَ به فَصَدُّهُ حَرام» (همو ، ۲۷٦). مصادیق فعل حرام و معصیت را به دقت بیشتری مشخص می‌کند(نک: فاضل لنکرانی ، ٥٤۳/۲؛ ***تعزیرات از دیدگاه فقه و ...*** ، ۲۸۰ به بعد).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نظام‌هـای حکومتی از دیربـاز بـا بزه‌کاری برخـوردهـای متفاوتی داشته‌اند، تـا حاکمیت و سیطره خود را به جامعه نشان دهند. و این برخوردها ناشی از مبانی جرم-انگاری هر نظام حقوقی است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، که بر مبنای شریعت و اجرای احکام اسلامی پایه‌گذاری شده است، اصول حقوقی زیادی جاری است که می‌توان به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تناسب بین جرم و مجازات و عدالت کیفری به عنوان مهم‌ترین اصول اشاره نمود.

در پژوهش حاضر به منظور اجرای اصول مذکور، خصوصاً تامین عدالت اجتماعی، یکی از جهات عام تشدید مجازات، یعنی تکرار جرم مورد بررسی قرار گرفته است.

در حوزه مربوط به تعیین قلمرو تکرار جرم و تشدید مجازات، بررسی‌ها نشان می‌دهد که حقوقدانان در نوشته‌های خود به سهولت از کنار تعریف دقیق آن عبور

کرده‌اند. علاوه بر آن در تطبیق این اندیشه با مبانی خود، یعنی فقه امامیه، بسیار پراکنده‌گویی شده؛ به طوری که در بعضی اوقات، نگارندگان خود مجبور شدند تا قلمرو بحث را با توجه به در نظر گرفتن قواعد و منابع فقهی و نظرات حقوقدانان تعریف و تبیین کنند.

در رابطه با تکرار جرم، در قوانین بعد از انقلاب مشخص نیست که آیا باید به حداکثر مجازات قانونی اکتفا نمود یا پا را فراتر گذاشت و به مجازات بیش از حداکثر قانونی قائل شد.

کسانی که با مجازات بیش از حداکثر قانونی مخالفت می‌کنند، به اصل قانونی بودن جرم و مجازات تمسک جسته‌اند؛ لکن برای حفظ یک اصل به موضوع دیگری که عدالت کیفری است، نباید خدشه وارد شود؛ بلکه باید شیوه‌ای را برگزید که هر دو اصل، محترم شمرده شوند؛ زیرا فردی که برای چندمین بار مرتکب جرم شده و کسی که برای اولین بار مرتکب جرم شده از لحاظ مجازات یکسان نیستند و اگر ما به حداکثر مجازات قانونی اکتفا کنیم، در حقیقت عدالت کیفری را مورد توجه قرار نداده‌ایم.

آنچه در این خصوص پیشنهاد می‌شود تا در مقررات کیفری لحاظ گردد این است که دادگاه در صورت تکرار جرم، به مجازاتی بیش از حداکثر مجازات قانونی حکم صادر کند که از یک سوم حداکثر مجازات تجاوز نکند و این همان شیوه‌ای است که ماده ۲۹۹ ق.م. ا از آن پیروی کرده است.

منابع

قرآن کریم.

ابن ادریس حلی، ***السرائر*** ، قم:جامعه مدرسین، ۱٤۱۰ق.

اردبیلی، محمدعلی، ***حقوق جزای عمومی***، نشرمیزان، تهران، ۱۳۸۰.

اصفهانی نجفی، محمد حسن بن باقر، ***جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام***، دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٣ش.

بهبهانی، علی، ***الفوائد العلیه***، اهواز: مکتب دارالعلم، ١٤٠٥ ق.

پرویز صانعی، ***حقوق جزای عمومی***، تهران: انتشارات طرح نو،١٣٨٢.

جمعی از نویسندگان، ***تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا***، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٣٨٥.

الحر العاملی، محمد بن‌حسن، ***وسائل الشیعه***، قم: مؤسسه آل‌البیت، ١٤١٤.

خاوری ، یعقوب و همکاران (زیر نظر آیة‌الله عمید زنجانی)، ***واژه نامه تفصیلی فقه جزا***، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.

خویی غروی، ابوالقاسم ، ***مبانی تکملة المنهاج***، قم: دارالهادی، ١٤٠٧ق.

دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ***مجموعه مقالات همایش ملی پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه***، کتاب قرآن و حقوق، مشهد: مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ١٣٨٥.

دهخدا، علی‌اکبر، ***لغت‌نامه دهخدا***، انتشارات دانشگاه تهران، (دوره جدید)،١٣٧٣.

شمس ناتری، محمد ابراهیم، ***بررسی تطبیقی مجازات اعدام***، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ١٣٧٨.

سید مرتضی علم‌الهدی، ابوالقاسم علی‌بن حسین، ***الانتصار***، قم:مؤسسه نشر اسلامی، ١٤١٥ق.

شیخ مفید، **المقنعة**، قم،١٤١٠ق.

شهید اول، محمدبن جمال‌الدین مکی‌العاملی، ***المعة الدمشقیة***، انتشارات قم: دارالفکر، ١٤١١ق.

شهید ثانی، زین‌الدین‌بن‌علی، ***الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة***، قم: انتشارات داوری، ١٤١٠ق.

شیخ طوسی، محمدبن‌حسن، ***الخلاف***، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱٤۱۷ق.

ــــــــــــــ ، ***النهایة فی المجرد الفقه و الفتاوی***، قم: منشورات قدس، بی‌تا.

طباطبایی، محمد حسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، **قم**: مؤسسة النشر الاسلامی.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱٤۱۵ق.

عسگری، غلامحسین، ***بررسی و نقد ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب***، مجله فقه اهل بیت، ش ۵، ۱۳۸٤.

علامه حلی، ابومنصور حسن‌بن یوسف، ***ارشاد الاذهان الی احکام الایمان***، قم: جامعه مدرسین، ۱٤۱۰ق.

علی‌آبادی، عبدالحسین، ***حقوق جنایی***، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳٦۸.

فاضل لنکرانی، محمّد، ***جامع المسائل (استفتاءات)***، قم: انتشارات امیر العلم، ۱۳۸۳.

فاضل مقداد سیوری، مقدادبن عبدالله، ***نضدالقواعد الفقهیة***، قم: مکتب آیت‌الله مرعشی، ۱٤۰۳ق.

فیض کاشانی، محسن، ***مفاتیح الشرایع***، قم: مجمع‌الذخائر الاسلامیة، ۱٤۰۱ق.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸.

قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰/۵/۸.

قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲.

قرائتی، محسن، ***تفسیر نور***، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.

کلینی، محمدبن یعقوب، ***الکافی***، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ق.

لطفی، رضا، تشدید و تخفیف در مجازات، ***مجموعه حقوقی اداری فنی وزارت عدلیه***، ش۱۲، ۱۳۱۸.

مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی(زیر نظر آیةالله سید محمود هاشمی شاهرودی)، ***فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)***، ١٣٨٤.

نوربهاء، رضا، ***زمینهٔ حقوق جزای عمومی***، کانون وکلای دادگستری، تهران، ١٣٦٩.

همدانی، محمدباقر، ***ترجمه تفسیر المیزان***، انتشارات اسلامی، قم، ١٣٨٠.

یثربی، محمدعلی، ***درسنامه قواعد فقه استدلالی۱*** (به ضمیمه ۵۰۰ عنوان قاعده فقهی)، سازمان انتشارات جهاددانشگاهی، تهران، ۱۳۸۵.